

تنها مسیر برای زندگی بهتر: ۱۴

پناهیان: آدم گاهی باید برای زندگی بجنگد! اگر امروز برای زندگی تلاش کنی، فردا مجاهد فی سبیل الله خواهی شد / انقلابی گری یعنی دفاع از زندگی / امام صادق(ع): شایسته ترین افراد برای بهره مندی از دنیا، خوبان هستند نه فجار! / دنیای بهتر زندان مؤمن است، چون آخرت خیلی بهتر است! +صوت

برخی می گویند: «این حرف های شما درباره زندگی بهتر موجب می شود که جوان ها دنبال مال دنیا و ثروت بروند!» خُب بروند؛ چه اشکالی دارد که جوان های ما با کار و تلاش خودشان، ثروتمند شوند؟! مگر ثروتمند شدن گناه است؟! مگر وظیفه شرعی شان نیست؟ امیرالمؤمنین(ع) در آن سال هایی که مشغول باغداری بودند، دارایی هایشان بسیار فراوان بود، به طوری که نقل کرده اند زکات اموالشان بیش از چهل هزار دینار می شد. این سبک اعتراض ها نسبت به بحث زندگی، سخیف و «حسن بصری مآبانه» است.

پناهیان: ما پشت ادبیات دوران مظلومیت انقلاب گیر نکرده ایم! دوران مظلومیت انقلاب گذشته و دوران اقتدار انقلاب و اسلام فرارسیده است. اگر آنها بخوانند به تفریح گاه های ما هم بمب بزنند، ما نابودشان می کنیم. ما زندگی را دوست داریم، چه کسی گفته است که مؤمنین و انقلابیون اهل زندگی نیستند؟! انقلابی گری یعنی دفاع از زندگی. طبق روایت، اگر من در وقت لازم جهاد نکنم، خدا مرا فقیر خواهد کرد و جدای از فقر، به من ذلت خواهد داد.

حجت الاسلام علی رضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «**تنها مسیر راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی**» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق(ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از **چهاردهمین جلسه** این سخنرانی را می خوانید:

زندگی بهتر یعنی زندگی پر تلاش و سرشار از مبارزه / آدم گاهی باید برای «زندگی» بجنگد!

• دومین ویژگی زندگی بهتر، تلاش و مبارزه است. جلسه قبل درباره «تلاش» برای زندگی بهتر صحبت کردیم و در این جلسه می خواهیم درباره «مبارزه» و جنگیدن برای زندگی بهتر صحبت کنیم. شخصی از امام صادق(ع) پرسید: آیا انسان می تواند برای دفاع از مالش بجنگد؟ حضرت فرمودند: رسول خدا(ص) فرمود: کسی که در دفاع از مالش کشته شود، شهید است. (عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ دُونَ مَالِهِ؟ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ قَبْلِ دُونِ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ؛ کافی/ ۵۲/۵) این فرمایش رسول خدا(ص) در آن زمان خیلی معنی دارد. یعنی همانطور که یک نفر انقلابی که با دشمنان دین و دشمنان اسلام می جنگد و کشته می شود، شهید است، کسی هم که برای دفاع از زندگی و مالش می جنگد، او هم شهید است. در روایت دیگر امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: خدا دشمن می دارد مردی را که دزد به خانه اش بیاید، اما با او بجنگد. (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَمْتَقُتُ الرَّجُلَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ اللَّصُّ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُحَارِبُ؛ کافی/ ۵۱/۵)

• بله، آدم گاهی باید برای زندگی بجنگد. یک وقت فکر نکنید که انقلابیون فقط شعارهای آرمانی و آسمانی می دهند و به زندگی کاری ندارند! کسی حق ندارد زندگی تو را بگیرد. اگر تو حاضر بشوی قطعه ای از زندگی ات به ظلم از دست برود(البته نه پیش برادر دینی خودت که بزرگوارانه گذشت می کنی بلکه پیش دشمنان ملت خودت) خدا تو را در دنیا و آخرت نابود خواهد کرد. یعنی آن بلایی که باید، بر سرت خواهد آورد که روزی صد مرتبه آرزوی مرگ کنی!

• مؤمن حق ندارد از زندگی اش بگذرد. البته وقتی ما در جامعه ای زندگی می کنیم که یک مشکلاتی در آن وجود دارد و همه با هم داریم به خاطر مصالحی، این مشکلات را تحمل می کنیم، این بحث دیگری است. و گاهی نیز در مقابل یک برادر دینی، یک فامیل و یا یک آدم نادان، گذشت می کنی و کوتاه می آیی؛ این هم اشکالی ندارد. اما کسانی که دشمنان دین و ملت تو هستند، اگر بخواهند به زندگی تو دستبرد بزنند، باید در مقابل آنها محکم بایستی و آنها را نابود کنی و الا خدا تو را نابود خواهد کرد. باید حواس مان باشد که زندگی محل نبرد است.

• گاهی اوقات در رفتارهای درون جامعه دینی هم باید حواس مان به زندگی باشد. یک نفر بود که سر صف آب، دیگران را هل می داد و می خواست خودش را جلو بیندازد. امیرالمؤمنین(ع) یقه او را گرفت و او را محکم به زمین کوبید و به او فرمود: این برخورد را با تو انجام دادم که یادت باشد دیگر سر صف، کسی را هل ندهی! (ذَكَرُوا أَنَّهُ عَ تَوَضَّأَ مَعَ النَّاسِ فِي مِضَاةِ الْمَسْجِدِ، فَزَحَمَهُ رَجُلٌ فَرَمَى بِهِ، فَأَخَذَ الذَّرَّةَ فَضَرَبَهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: لَيْسَ هَذَا لِمَا صَنَعْتَ بِی، وَ لَكِنْ یَجِئُ مَنْ هُوَ أَضْعَفُ مِنِّی، فَتَفَعَّلُ بِهِ مِثْلَ هَذَا، فَتَضْمَنُ؛ اختصاص شیخ مفید/ ۱۵۹)

آدم باید نسبت به زندگی تعصب و غیرت داشته باشد / ثروت گریزی و دنیاگریزی غیر منطقی در دین نیست

• آدم باید نسبت به زندگی یک تعصب و غیرتی داشته باشد. ثروت گریزی، دنیاگریزی و زاهدانه بودن غیر منطقی اصلاً در دین ما وجود ندارد.

• در جلسه قبل یک نمونه از کسانی که به سامری امت پیامبر(ص) مشهور هستند را معرفی کردیم؛ کسی که نامش حسن بصری بود. شعار او «لَا قِتَال» بود؛ یعنی «درگیر نشوید!» وقتی به او می گفتند که «حجاج بن یوسف تقفی دارد گروه گروه انسان ها را می کشد و سر می برد» او می گفت: شما درگیر نشوید! خودتان را درگیر این مسائل نکنید! (فَكَانَ الْحَسَنُ يَنْهَى عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى الْحَجَّاجِ وَ يَأْمُرُ بِالْكَفِّ... قَالَ: وَ اللَّهُ مَا سَلَطَ الْحَجَّاجُ إِلَّا عُقُوبَةً فَلَا تَعْتَرِضُوا عُقُوبَةَ اللَّهِ بِالسَّيْفِ وَ لَكِنْ عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ وَ التَّضَرُّعِ؛ طبقات الكبرى/ ۱۲۱/۷)

سامری های امت کسانی هستند که وجهه معنوی دارند و شما را از درگیری باز می دارند

• جالب اینجاست که امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: هر امتی در هر زمانی، سامری دارد(أَمَا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيٍّ؛ احتجاج/ ۱۷۲/۱) سامری های امت چه کسانی هستند؟ کسانی که وجهه معنوی دارند و شما را از درگیری باز می دارند. سامری ها این گونه هستند! و اینها در کلام معصومین معرفی می شوند. یکی از این افراد که در روایات به سامری امت مشهور بود، به حدی منفور بود که امیرالمؤمنین(ع) او را در قنوت نمازش لعن می کرد. (عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْقِلٍ، عَنْ عَلِيٍّ(ع): أَنَّهُ قَتَلَ فِي الصُّبْحِ قَلْعَنَ... وَ أَبَا الْأَعْوَرِ وَ أَصْحَابَهُمْ؛ امالی طوسی/ ۲۲۵)

• از حسن بصری می پرسیدند: ما در مقابل این ستمگران چه کار کنیم؟ او می گفت: با حاکمان درگیر نشوید، اگر حاکمان آدم های خوبی باشند که آنها اجر می برند و شما هم شکر می کنید، اگر هم آدم های بدی باشند، همین که خدا دشمن آنهاست کافی است، شما چرا خودتان را درگیر کنید؟! (لَا تَسُبُّوا الْوَلَاةَ فَإِنَّهُمْ إِنْ أَحْسَبُوا كَانَ لَهُمْ الْأَجْرُ وَ عَلَيْهِمُ الشُّكْرُ وَ إِنْ أَسَاؤُوا فَعَلَيْهِمُ النُّوْرُ وَ عَلَيْهِمُ الصَّبْرُ؛ الخراج لابی یوسف/ ۲۰/۱) و (وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ النَّاسَ إِذَا ابْتَلَوْا مِنْ قِبَلِ سُلْطَانِهِمْ صَبَرُوا مَا لَبِثُوا أَنْ يَرْفَعَهُ اللَّهُ ذَلِكَ عَنْهُمْ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ يَفْرَعُونَ إِلَى السَّيْفِ فَيُوكَلُونَ إِلَيْهِ وَ وَاللَّهِ مَا جَاؤُوا يَوْمَ خَيْرٍ قَطُّ؛ طبقات الكبرى/ ۱۲۱/۷)

• در جریان جنگ جمل هم حسن بصری (ع) مردم را از شرکت در جنگ باز می‌داشت. (علامه خوانساری می نویسد: در احادیث شیعه وارد شده حسن از شرکت در جنگ جمل و یاری امیرالمؤمنین علی خودداری کرده و در یکی از غرفه های منزل خودکه در بصره بود و به همراهی برخی از دوستان و شاگردانش مخفی شده اظهار داشته بهتر آن است ما به نفع و ضرر هیچ کس از این دو دسته مسلمانان اقدام ننمائیم؛ ترجمه روایات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۳، ص ۲۶۳)

اولین سخنرانی امام حسین(ع) برای قیام، بحث زندگی بود/ مراقب باشیم یک وقت حسن بصری ها دین ما را نسازند!

• امام حسین(ع) و یارانش، یکی از کاروان هایی که داشت اموالی را از سوی یکی از بلاد اسلامی - برای معاویه می برد، را گرفتند و آن اموال را بین مردم تقسیم کردند و اجازه ندادند که این ثروت هنگفت، از گوشه ای از ممالک اسلامی به دستگاه ظلمه برسد. و بعد یک نامه ای هم نوشتند و به رییس آن کاروان دادند و فرمودند: «این را به صاحب خودت بده و بگو: مال به صاحبش رسید.»

• شما وقتی سخنان امام حسین(ع) در صحرا ی ما را مطالعه کنید می بیند که تماماً بحث زندگی است. این در واقع اولین سخنرانی امام حسین(ع) برای قیام است که برای هفتصد نفر از صحابه و تابعین بیان کردند، حضرت در آنجا بحث معیشت و زندگی مردم را مطرح کردند و فرمودند: به فقرا رسیدگی نمی شود، بیماران درمان نمی شوند، اموال در بین مردم، درست توزیع نمی شود، مشکلات مردم زیاد است... (ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ عِصَابَةٌ بِالْإِلْمِ مَشْهُورَةٌ... وَالْأُمَى وَالْبُكْمُ وَالزَّمْنَى فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَأَنْ تَرْحَمُونَ) (تحف المقول/ ۲۳۷-۲۳۸) شما این سخنان معصومین را با دقت بخوانید و مراقب باشید که یک وقت حسن بصری ها دین ما را نسازند!

اگر امروز برای زندگی خودت تلاش نکنی، فردا مجاهد فی سبیل الله نخواهی شد/ باید برای زندگی بجنگیم و اجازه ندهیم دشمنان به زندگی ما دستبرد بزنند

• **برای زندگی سخت کوش باشی، نسبت به زندگی خودت غیرت داشته باش! دین دارد به تو زندگی می دهد، تو اگر متدین هستی باید زندگی ات را درست کنی و اگر جامعه تو دینی است باید سطح زندگی را بالا ببرد.**

• اگر دشمنان ما دارند زندگی را از ما می گیرند، ما باید برای زندگی بجنگیم و حتی در این راه کشته شویم، ولی اجازه ندهیم که دشمنان به زندگی ما دستبرد بزنند. تو اگر امروز یاد نگیری که برای زندگی خودت تلاش کنی، فردا هم انسان مجاهد فی سبیل الله نخواهی شد که وقتی ببینی دارند به خانه و حریم تو تجاوز می کنند، در مقابل آنها بایستی و مبارزه کنی.

• ملت ما و دین ما خوب به جهان معرفی نشده است، و الا غربی های بی حیثیت جرأت نمی کردند نزدیک انرژی هسته ای ما بیایند. این جرأت و پررویی آنها به خاطر تبلیغات نادرستی است که از دین مان ارائه داده ایم. مگر آنها جرأت می کنند به مقدسات ما حمله کنند؟ حتی به مخیله آنها هم خطور نمی کند که بخواهند نزدیک مقدسات ما بشوند. پس چرا به زندگی ما حمله می کنند؟ چرا می خواهند زندگی را از ما سلب کنند؟ چون می دانند که ما «دینی» نسبت به زندگی خودمان غیرت نداریم، ما باید از جنبه دینی به زندگی مان غیرت داشته باشیم.

برخی می گویند: با این سخنان ممکن است مردم، دنیاطلب بشوند! چه اشکالی دارد جوان های ما با کار و تلاش، ثروتمند شوند؟! مگر ثروتمند شدن گناه است؟!

• بعضی ها در مقابل بحث «زندگی بهتر» و این نوع نگاه به زندگی، می گویند: «عوارض این بحث شما درباره زندگی این است که ممکن است مردم، دنیاطلب بشوند!» در حالی که گفتگو از هر مفهوم خوبی عوارض دارد. مگر عوارض صحبت کردن از نماز خواندن کم است! اگر ما از نماز خواندن تبلیغ کنیم باز هم ممکن است کسی به دنبال نماز برود ولی بعداً مثل خوارج بشود! اینکه خطرش برای اسلام، خیلی بیشتر از خطر آدم های دنیاطلب است! شما اگر نماز شب یا روزه ماه مبارک رمضان را هم تبلیغ کنید، بالاخره ممکن است عده ای افراطی به دنبالش بیفتند! اساساً این سبک اعتراض ها نسبت به بحث زندگی، سخیف و «حسن بصری مآبانه» است.

• برخی می گویند: «این حرف های شما - درباره زندگی بهتر - موجب می شود که جوان ها دنبال مال دنیا و ثروت بروند!» خُب بروند؛ چه اشکالی دارد که جوان های ما با کار و تلاش خودشان، ثروتمند شوند؟! مگر ثروتمند شدن گناه است؟! مگر وظیفه شرعی شان نیست؟ امیرالمؤمنین(ع) در آن سال هایی که کار می کردند(مشغول کشاورزی و باغداری بودند) دارایی های ایشان بسیار عظیم و فراوان بود، به طوری که نقل کرده اند زکات اموال ایشان بیش از چهل هزار دینار می شد و در نقل های دیگری آمده است که زکات اموال امیرالمؤمنین(ع) برای تمام روزی بنی هاشم کفایت می کرد و حتی لازم نبود بنی هاشم کاری انجام دهند. بعدها یکی از همین باغ های امیرالمؤمنین(ع) را معاویه می خواست از امام حسین(ع) به ۲۰۰ هزار دینار بخرد، ولی حضرت قبول نکرد. البته اهل بیت(ع) بذل و بخشش های بسیار زیادی انجام می دادند و این ثروت را هم با معجزه به دست نمی آوردند، بلکه با کار و تلاش خودشان به دست می آوردند.

ثروتمند شدن بد نیست؛ بد برخورد کردن با ثروت بد است/ دولت اسلامی باید مقدمات ثروتمند شدن مردم را فراهم کند

• ثروتمند شدن بد نیست، بلکه بد برخورد کردن با ثروت بد است. دولت اسلامی باید مقدمات ثروتمند شدن مردم را فراهم کند، حتی نمی گوییم: «مقدمات رفاه را فراهم کند!» بلکه می گوییم مقدمات ثروتمند شدن را فراهم کند تا کسانی که به ثروت می رسند، بتوانند بذل و بخشش کنند. ما داریم درباره چیزی بالاتر از «رفاه» صحبت می کنیم، و الا می توان از راه های دیگری هم به «رفاه» رسید. مثلاً خیلی ار ارباب ها، نوکران خودشان را مرفه نگه می دارند! ما نمی خواهیم نوکر مرفه باشیم؛ مثل این کسانی که در کشورهای غربی، خدمه کارتل ها و تراست های بزرگ صهیونیستی می شوند و آن اربابان صهیونیست هم این افراد را به عنوان کارمند، به خدمت می گیرند و از علم و دانش آنها استفاده می کنند و یک رفاهی هم برایشان تأمین می کنند. این کارمندان رفاه دارند ولی ثروت چندانی ندارند.

• نه تنها ثروتمند شدن بد نیست، بلکه خدا دوست دارد کسی که ثروت دارد، ثروت خودش را اظهار کند. این اخلاقی که بعضی‌ها دارند و سعی می‌کنند ثروتشان پنهان باشد، خیلی زشت است. (امام صادق (ع): إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَطَهَّرَتْ عَلَيْهِ سُمَى حَبِيبِ اللَّهِ مُحَمَّدًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَلَمْ تَطْهَرْ عَلَيْهِ سُمَى بَغِيضِ اللَّهِ مُكَذِّبًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ؛ کافی (۴۳۸/۶) و (إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ فَلَا يُظَاهَرُهَا؛ کافی (۴۳۹/۶))

• **وقتی طلحه و زبیر طعنه زدن به علی (ع) را شروع کرده بودند، می‌گفتند: علی بن ابیطالب، مال و ثروت ندارد! حضرت از اینکه به ایشان نسبت ناروا داده بودند، ناراحت شدند و به وکلای خودشان دستور دادند که درآمدهایی که دستشان هست را جمع کنند و بیاورند. آنها رفتند و اموال حضرت را جمع‌آوری کردند و انبوهی از پول و سکه (صدهزار درهم) جلوی حضرت ریختند. بعد حضرت فرمودند طلحه و زبیر را صدا بزنید. وقتی آنها آمدند حضرت به آنها فرمود: این اموالی که الان می‌بینید اینجا ریخته است، همه‌اش مال شخصی خودم است و کسی در آن سهمی ندارد. آنها وقتی داشتند از بیرون می‌رفتند، گفتند: واقعاً علی (ع) عجب ثروتی دارد!** (بَلِّغْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ طَلَحَةَ وَ الزُّبَيْرَ يَقُولَانِ لَيْسَ لِعَلِيِّ مَالٌ قَالَ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَأَمَرَ وَكَلَاءَهُ أَنْ يَجْمَعُوا غَلَّتَهُ حَتَّى إِذَا خَالَ الْحَوْلُ آتَوْهُ وَ قَدْ جَمَعُوا مِنْ ثَمَنِ الْعَلَّةِ مِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ... قَالَ فَخَرَجَا مِنْ عِنْدِهِ وَ هُمَا يَقُولَانِ إِنَّ لَهُ مَالًا؛ کافی (۴۴۰/۶))

• شما می‌دانید که حب‌الدنیا با این مسائل فرق می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) عاشق شهادت بود و البته اهل کرم و بخشش هم بود. یک‌بار هم این سخن را نسبت به امام حسن مجتبی (ع) گفتند و ایشان هم ناراحت شدند و عکس‌العملی مشابه امیرالمؤمنین (ع) انجام دادند تا اثبات کنند که فقیر نیستند، بلکه ثروتمند هستند. (إِنَّ أَنَسًا بِالْمَدِينَةِ قَالُوا لَيْسَ لِلْحَسَنِ عَ مَالٌ فَبَعَثَ الْحَسَنُ عَ إِلَى رَجُلٍ بِالْمَدِينَةِ فَاسْتَفْرَضَ مِنْهُ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ أَرْسَلَ بِهَا إِلَى الْمُصَدِّقِ وَ قَالَ هَذِهِ صَدَقَةٌ مَالِنَا فَقَالُوا مَا بَعَثَ الْحَسَنُ عَ بِهَذِهِ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ إِلَّا وَ لَهُ مَالٌ؛ کافی (۴۴۰/۶))

پاسخ امام صادق (ع) به کسی که به شیک‌پوشی حضرت اعتراض کرد / امام صادق (ع): شایسته‌ترین افراد برای بهره‌مندی از دنیا، خوبان هستند نه فجار

• یک کسی دید امام صادق (ع) لباس خوبی پوشیده است. آمد به امام (ع) گفت: «من دارم لباسی می‌بینم که در شأن شما نیست! چرا این لباس را پوشیده‌اید؟ این لباس لباس شما نیست؛ دَخَلَ سَفِيَانُ الثَّوْرِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَرَأَى عَلَيْهِ ثِيَابَ بَيْضٍ كَأَنَّهَا غُرْقِيُّ الْبَيْضِ فَقَالَ لَهُ إِنَّ هَذَا لِلْبَّاسِ لَيْسَ مِنْ لِيَابِسِكِ» (کافی (۶۵/۵)) حضرت به او فرمود: «گوش کن و آن چیزی که به تو می‌گویم را حفظ کن. این برای همیشه تو به درد می‌خورد. من نمی‌خواهم تو بر دین انحرافی و بدعت‌گذاشته‌شده بمیری، می‌خواهم دین تو درست باشد؛ فَقَالَ لَهُ أَسْمَعُ مِنِّي وَ عَ مَا أَقُولُ لَكَ فَإِنَّهُ خَبِرُ لَكَ عَاجِلًا وَ آجَلًا إِنَّ آتَتْ مِتَّ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْحَقُّ وَ لَمْ تَمُتْ عَلَى بِدْعَةٍ» (همان)

• دقت کنید که آن شخص به شیک‌پوشی امام صادق (ع) اعتراض کرده بود، ولی حضرت به سراغ دین او رفتند و فرمودند نمی‌خواهم تو بر دینی که با بدعت همراه است بمیری! و بعد توضیح دادند و فرمودند: «پیامبر اکرم (ص) در یک زمانی که فقر و فلاکت و قحطی در جامعه بود، زندگی کرد اما وقتی که دنیا اقبال کند و مردم در ثروت باشند، بهترین کسانی که خوب است این ثروت را

داشته باشند، آدم‌های خوب هستند نه فجار و آدم‌های بد؛ أَخْبِرَكَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَ كَانَ فِي زَمَانٍ مُقْفِرٍ جَذِبَ فَأَمَّا إِذَا أَقْبَلَتْ الدُّنْيَا فَأَخَقَّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا لَأَ فَجَارُهَا وَ مُؤْمِنُوهَا لَأَ مُنَافِقُوهَا وَ مُسْلِمُوهَا لَأَ كَفَّارُهَا» (همان)

• بعد حضرت به او فرمود: «به خدا قسم این اموالی که من دارم، صبح و شام در مورد اوامری که خدا به من داشته‌برای انفاق و صدقه و زکات- یک ذره هم کم نگذاشته‌ام و همه دستورات خدا را اجرا کرده‌ام و این اموال را هم دارم (یعنی چیزی از حق خدا یا از اموال مردم در اموال من نیست)؛ فَمَا أَنْكَرْتَ يَا ثَوْرِيُّ فَوَ اللَّهُ إِنِّي لَمَعَ مَا تَرَى مَا آتَى عَلِيَّ مَذَّ عَقَلْتُ صَبَاحٌ وَ لَأَ مَسَاءٌ وَ لِلَّهِ فِي مَالِي حَقٌّ أَمْرِي أَنْ أُضَعَّهُ مَوْضِعًا إِلَّا وَضَعْتُهُ» (همان)

پاسخ امام حسن (ع) به یهودی فقیری که به وضع مالی خوب حضرت اعتراض کرد / دنیای بهتر زندان مؤمن است، چون آخرت خیلی بهتر است

• امام حسن مجتبی (ع) داشتند عبور می‌کردند. یک مرد یهودی که فقیر و درمانده و ژنده‌پوش بود، ایشان را در راه دید. از حضرت تقاضا کرد که «تو را به خدا باستند، من می‌خواهم با شما صحبت کنم» حضرت ایستادند. او گفت: «شما به من انصاف بده؛ یا ابنِ رَسُولِ اللَّهِ أَتُصِفُنِي؛ حضرت فرمود: در چه چیزی انصاف بدهم؛ فی أَى شَيْءٍ؛ او گفت: جدِّ تو (رسول خدا (ص)) می‌گفت: دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر است و تو مؤمن هستی و من کافر هستم، آن وقت الان شما وضع خود را ببین و وضع مرا هم ببین! آیا این الان زندان شمامست و آیا این بهشت من است؟! فَقَالَ جَدُّكَ يَقُولُ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ وَ أَنْتَ مُؤْمِنٌ وَ أَنَا كَافِرٌ فَمَا أَرَى الدُّنْيَا إِلَّا جَنَّةً لَكَ تَتَّعَمُ بِهَا وَ تَسْتَلِدُ فِيهَا وَ مَا أَرَاهَا إِلَّا سِجْنًا لِي قَدْ أَهْلَكَنِي ضُرُّهَا وَ أَتَلَفَنِي قَفْرُهَا» (کشف الغمه (۱/۴۵))

• امام حسن (ع) بعد از شنیدن سخن آن پیر مرد فقیر یهودی به ایشان توضیح دادند و فرمودند: «ای پیرمرد، اگر تو می‌توانستی چشم خود را باز کنی و آخرت ما را ببینی که خدا برای ما در آخرت چه چیزی مهیا کرده است، می‌دیدی که من با این وضع خوبم، الان در دنیا نسبت به بهشت، در زندان هستم؛ یا شَيْخُ لَوْ نَظَرْتَ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ مِمَّا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَأَ أَدُنُّ سَمِعَتْ لَعَلِمْتُ أَنِّي قَبْلَ أَنْتِقَالَ إِلَيْهِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا فِي سِجْنِ صُنُكٍ» (همان)

• این جواب حضرت معنایش این است که مؤمن بنا نیست در این دنیا با بدبختی زندگی کند، و کسی هم حق ندارد مؤمن را بدبخت کند، و اگر کسی خواست این کار را انجام دهد، باید با او مقابله کرد. البته ما نمی‌خواهیم مودیانه و با زرنگ‌بازی یا حقه‌بازی به سراغ دنیا برویم، بلکه ما می‌خواهیم با تلاش و مبارزه و درگیری به سراغ دنیا برویم.

• حضرت در ادامه کلام خود فرمود: و تو اگر می‌توانستی ببینی که چه جهنمی در انتظار تو و هر کافری است، می‌فهمیدی که الان در همین فقر و فلاکتی که در آن به سر می‌بری، نسبت به آن، برای تو مثل بهشت است؛ وَ لَوْ نَظَرْتَ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ وَ لِكُلِّ كَافِرٍ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ مِنْ سَعِيرٍ نَارِ الْجَحِيمِ وَ نَكَالِ عَذَابِ الْمُقِيمِ لَرَأَيْتَ أَنَّكَ قَبْلَ مَصِيرِكَ إِلَيْهِ الْآنَ فِي جَنَّةٍ وَاسِعَةٍ وَ نِعْمَةٍ جَامِعَةٍ» (همان) البته در یک نقل دیگری هم هست که امام حسن (ع) از اسب پیاده شدند و اسب گرانبهایی که داشتند را به آن پیرمرد یهودی بخشیدند و گفتند: اگر فکر می‌کنی با این اسب، دنیا برای من بهشت شده است، این اسب برای تو باشد تا دنیا برایت بهشت بشود.

امام حسن(ع) با وجود زندگی خوب، دچار دنیازدگی نشد

دوستان دقت کنند که این داستان مربوط به زمانی است که وضع زندگی مردم مدینه خوب بود(مانند گذشته نبود که عموم مردم وضع معیشتی نامناسبی داشته باشند) البته با این حال اگر امام حسن(ع) رییس جامعه بودند، سطح زندگی خودشان را در سطح پایین ترین افراد جامعه قرار می دادند(مانند امیرالمؤمنین(ع) در دوران خلافتشان) ضمن اینکه امام حسن(ع) که وضع مالی خوبی داشتند، بسیار اهل بذل و بخشش بودند به حدی که سه مرتبه کل اموال خود را نصف کردند و نصف آن را در راه خدا انفاق کردند(إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ قَاسَمَهُ رَبُّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى نَعْلًا وَ نَعْلًا وَ ثَوْبًا وَ ثَوْبًا وَ دِينَارًا وَ دِينَارًا؛ تهذیب الاحکام/۱۱/۵) و مشهور بود که ایشان سفره دار مدینه بودند، در خانه ایشان به روی مردم باز بود. هر کسی به مدینه می آمد و غریب بود، می توانست به خانه حضرت برود و از او پذیرایی می شد.

امام حسن مجتبی(ع) در عین حالی که در ناز و نعمت به سر می برد، بیست مرتبه با پای پیاده و گاهی با پای برهنه، برای زیارت به خانه کعبه مشرف شدند.(إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ... وَ حَجَّ عِشْرِينَ حَجَّةً مَاشِيًا عَلَيَّ قَدَمَيْهِ؛ تهذیب الاحکام/۱۱/۵) یعنی به هیچ وجه ایشان دچار دنیازدگی نشدند، و این طور نبود که وقتی به رفاه رسیدند، دیگر نتوانند خاکی باشند. ایشان در کنار فقرا روی زمین می نشستند و با آنها غذا می خوردند.

آدم بی ظرفیت وقتی به ثروت برسد، بی دین می شود / آدم شریف وقتی به ثروت برسد، پاک تر می شود

بعضی ها آن قدر نوکیسه هستند که وقتی مُدل ماشین شان کمی بالا می رود، دیگر جواب سلام دیگران را هم نمی دهند! خُب اینها آدم های بی ظرفیتی هستند؛ اینکه خاصیت ثروت نیست! برخی نیز هستند که وقتی یک مدتی دائماً سر صف اول نماز جماعت حاضر می شوند، دیگر کسی را آدم حساب نمی کنند! بالاخره بی ظرفیتی در همه جا هست، و انسان باید مراقب باشد که دچار آفت های ثروت نشود.

آدم پست فطرت وقتی به ثروت برسد، بی دین می شود. ولی آدم شریف وقتی به ثروت برسد، پاک تر می شود. همچنان که آدم شریف اگر فقیر بشود، پاک می شود و رابطه او با خدا از بین نمی رود؛ بلکه قشنگ تر می شود. ولی آدمی که شریف نباشد و دچار فقر شود، کینه ای و عقده ای می شود. ما باید آن شرافت خودمان را حفظ کنیم و آن وقت تلاش خودمان را هم انجام دهیم و این را وظیفه دینی خودمان بدانیم؛ حالا اگر خدا خواست به ما روزی بدهد، با این ثروت می توانیم در راه خدا خدمت کنیم و بذل و بخشش کنیم. و اگر هم خدا برای ما فقر را مقدر کرد، با لیخند رضایت بپذیریم و خدا را شکر کنیم و بگوییم: خدایا! حتماً این فقری که برای ما پسندیده ای، به صلاح ما بوده است.

وقتی مؤمنین به تولید ثروت و مهمتر از آن به تولید کار و تحمل مشقت و مبارزه برای تأمین معیشت تشویق شوند، نتیجه اش این می شود که دنیا به دست کلاهبردارها می افتد.

اگر کسی مبارزه و جهاد را ترک کند دچار ذلت و فقر خواهد شد

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: هر کس در جایی که وظیفه اش این است که بجنگد - جنگیدن را کنار بگذارد، خدا یک خواری و ذلتی در نفسش قرار می دهد(یعنی آدم حقیر و بدبختی خواهد شد) خدا در زندگی او را فقیر خواهد کرد، و دینش را محو خواهد کرد؛ فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا فِي نَفْسِهِ وَ فَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَ مَحَقًّا فِي دِينِهِ(امالی صدوق/۵۷۷)

حضرت در ادامه می فرماید: «خدا این امت اسلامی را عزت بخشیده است به سم اسب های شان(امروزه می توان گفت: به سنی تانک های شان) و به نوک تیز نیزه های شان(امروزه می توان گفت: به موشک های شان)؛ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعَزُّ أُمَّتِي بِسُنَائِكِ خَلِيفًا وَ مَرَآكِرٍ وَمَاحِقًا»(همان) اینکه بعضی ها می گویند: «عزت ما با موشک های مان نیست» لابد شوخی می کنند، و الا این سخن رسول خدا(ص) که دروغ نمی شود! اگر این آمادگی و توان را نداشته باشیم، دشمنان ما زندگی ما را از بین می برند.

اگر دشمنان بخواهند زندگی ما را تلخ کنند، نابودشان می کنیم / انقلابی گری یعنی دفاع از زندگی

چرا این دشمنان ما اصرار دارند که مراکز نظامی ما را ببینند؟ از بس که ترسو هستند، می خواهند همین که مطمئن شدند ما چیزی نداریم، بمباران و حملات خودشان را شروع کنند. این کارها از روی ترس و وحشت آنهاست. مگر عراق چه داشت؟ آنها تا نیامدند و همه مخزن ها و معادن شان را بازرسی نکردند، حمله را شروع نکردند. این قدر ترسو هستند! با اینکه چندین سال، تمام اطلاعات مراکز مختلف عراق در دست شان بود، ولی آن قدر ترسو و بیچاره هستند که تا وقتی همه مخفیگاه های آنجا را دوباره نگشتند، سربازهای خودشان را وارد عراق نکردند. در مورد لیبی هم همین کار را کردند، یعنی اول گشتند و بازدید کردند، بعداً حمله کردند. آیا ما در مقابل اینها باید کوتاه بیاییم؟! اینها تا این حد بدبخت و ترسو هستند. فقط کافی است که ما انبارهای خودمان را لو ندهیم.

کسی که بر حق است قدرتمند است. اما وای به حال کسی که حق با اوست و قدرت لایزال الهی پشت او قرار دارد، اما بخواهد از حق خودش و از زندگی خودش کوتاه بیاید. در مورد مسأله هسته ای هم بحث زندگی مطرح است، نه بحث انقلابی گری و آرمان گرایی. البته بعضی ها می خواهند در این مملکت جنگ «انقلابی گری در مقابل واقع گرایی» یا «جنگ میان بندی و زندگی» راه بیاندازند و بگویند: «یک عده ای دنبال آرمان های الهی هستند و یک عده ای هم دنبال زندگی هستند و ما دنبال زندگی هستیم!» این جنگی که می خواهند راه بیندازند کاملاً بی معناست. اتفاقاً انقلابیون بیشتر دنبال زندگی هستند. اتفاقاً بحث ما هم بر سر زندگی است، کسی حق ندارد زندگی ما را تلخ کند. اگر آنها بخواهند زندگی ما را تلخ کند، نابودشان می کنیم؛ این سخن انقلابی ماست.

ما پشت ادبیات دوران مظلومیت انقلاب گیر نکرده ایم! دوران مظلومیت انقلاب گذشته و دوران اقتدار انقلاب و اسلام فرارسیده است. اگر آنها بخواهند به تفریح گاه های ما هم بمب بزنند، ما نابودشان می کنیم. ما زندگی را دوست داریم، چه کسی گفته است که مؤمنین و انقلابیون اهل زندگی نیستند؟! انقلابی گری یعنی دفاع از زندگی. طبق روایت، اگر من در وقت لازم جهاد نکنم، خدا مرا فقیر خواهد کرد و جدای از فقر، به من ذلت خواهد داد.

